

فلسطینی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که سازش بی‌فایده است

باطل‌شدن همه طرح‌های سازش، جایگزینی «اراده شکست‌ناپذیر» در فلسطین و منطقه غرب آسیا با «ارتش شکست‌ناپذیر» صهیونیستی، حمایت جمعیت کثیری از ملت فلسطین از مقاومت مسلحانه از محورهای بیانات در همین رابطه گفت‌وگویی با آقای سیدمحمدجعفر KHAMENEI.IR رهبر انقلاب در روز قدس بود. رسانه رضوی، کارشناس مسائل منطقه و جهان اسلام داشته است

اراده شکست‌ناپذیر» ملت فلسطین با «ارتش شکست‌ناپذیر» صهیونیستی، یکی از «جایگزینی» عبارات مهم بیانات رهبر انقلاب در روز قدس بود. این جایگزینی چگونه امکان‌پذیر شده و چه سیر تطوری داشته است؟

تفاوت بین ارتش شکست‌ناپذیر و اراده شکست‌ناپذیر یک تفاوت قابل‌توجهی دارد که آن‌هم فاصله خیلی نجومی با یکدیگر است؛ به این معنی که اراده شکست‌ناپذیر اراده‌ای است که با هر نوع امکاناتی و در هر شرایطی نمی‌خواهد شکست را بپذیرد و در تلاش است که به پیروزی برسد، درحالی‌که ارتش شکست‌ناپذیر یک ساختار است؛ حتی اگر این عبارت و مفهوم در موردش هم صدق کند، می‌تواند با کاهش امکاناتش و با تغییر زمانه و تحولاتی که در هر دوره و زمانه‌ای رخ می‌دهد، آن ارتش شکست بخورد. در حقیقت، شاید یک ارتش یا یک ملت با اراده شکست‌ناپذیر بتواند شکست‌ناپذیر بشود، اما در خصوص ارتش رژیم صهیونیستی که برایش عنوان ارتش شکست‌ناپذیر ذکر شده، اغراقی کاملاً آشکار و جنگ روانی از جانب غرب و صهیونیست‌هاست که نادرست بودن و مصداق نداشتن آن برای این ارتش نمایان است؛ اما اراده شکست‌ناپذیر ملتی که با دست خالی در مقابل همین صهیونیست‌ها تا به امروز ایستاده، می‌تواند ساختار و فضایی را فراهم کند که هر ارتش شکست‌ناپذیری را شکست بدهد. در حقیقت، صهیونیست‌ها با تکیه بر امکانات و سلاح‌ها و توان اقتصادی و مادی خودشان این اعتبار و عبارت را برای خودشان وضع کردند، درحالی‌که اراده شکست‌ناپذیر ملت فلسطین و مسلمان‌ها که برآمده از اعتقادات و معنویات آن‌هاست، هر نوع ارتشی را در دنیا می‌تواند شکست بدهد که این تا امروز اتفاق افتاده است. نمونه بارز آن را ما می‌توانیم در مورد جنگ ۳۳ روزه، جنگ هشت‌روزه، جنگ ۲۲ روزه، جنگ ۱۲ روزه و نمونه‌های قابل‌توجه دیگر در فلسطین مشاهده کنیم. این نشانه شکست‌ناپذیری اراده ملتی است که با دست خالی در مقابل ارتشی که به‌خاطر داشتن امکانات مادی بسیار فراوان و پیشرفته خودش را شکست‌ناپذیر نامیده، پیروز می‌شود و این اراده بالاخره آن‌ها را روزی از سرزمین مادری غصب‌شده فلسطینی‌ها بیرون خواهد کرد.

عبارت ارتش شکست‌ناپذیر رژیم صهیونیستی توسط غرب و خود صهیونیست‌ها در اولین روزهای تأسیس رژیم صهیونیستی وصف و مطرح شد تا بار روانی برای ملت‌های منطقه با خودش به همراه داشته باشد. این ارتش از

همان ابتدا (سال ۱۹۷۳)، زمانی که هنوز مقاومت اسلامی شروع نشده بود، تا آستانه شکست‌های سنگین رفت، اما غرب که این ارتش را ارتشی شکست‌ناپذیر نامیده بود، تلاش کرد آن‌ها را نجات بدهد.

این رژیم از حیث بودجه .در حال حاضر، ارتش رژیم صهیونیستی در وضعیت خیلی نابسامانی به سر می‌برد اقتصادی، به‌خاطر عدم ثبات سیاسی در عرصه سیاست داخلی، نتوانسته بودجه‌هایی را که برای توسعه خودش از آنجایی که نگاهشان کاملاً مادی است، فرماندهان و سربازان ارتششان به‌شدت نسبت .تعریف کرده، کسب کند به این مسئله ناامیدند و ارتش را در حال افول می‌بینند. ضمن اینکه این ارتش به‌خاطر مشکلات اعتقادی داخلی که وجود دارد، با کاهش نیرو و تعداد کمی نیروهایی که خودش برای جنگ‌های آینده محاسبه کرده، روبه‌روست. ما شاهد فرار سربازان ارتش رژیم صهیونیستی از این ارتش هستیم. همه این‌ها در گزارش‌هایی که ناظر کل ارتش رژیم صهیونیستی طی سه سال گذشته ارائه کرده، وجود دارد و در آن‌ها به این نکته اذعان شده است.

### شکست آمریکا و رژیم صهیونیستی در بیانات رهبر انقلاب در کنار هم بیان شد. این شکست‌های

توأمان چه نسبتی با هم دارند و زوال رژیم صهیونیستی در کدام عرصه‌ها بیشتر نمایان است؟

در خصوص شکست رژیم صهیونیستی و ایالات متحده باید به این نکته توجه داشته باشیم که کیان رژیم صهیونیستی وابسته به کیان ایالات متحده است؛ به این معنی که انگلیسی‌ها در ابتدا باعث تأسیس این رژیم به‌طور .شدند، اما در ادامه ایالات متحده این رژیم را حفظ کرد و تاکنون هم به این کار ادامه داده است مشخص، ایالات متحده با کمک‌های اقتصادی، نظامی، امنیتی و همچنین کمک‌هایی که در عرصه بین‌المللی به این رژیم می‌کند، حافظ و نگهدارنده بقاء این رژیم بوده است؛ اما حالا ما شاهد افول ایالات متحده‌ای هستیم که در عرصه جهانی خودش را قدرت تک‌قطبی دنیا می‌داند، ولی دیگر تنها قدرت دنیا نیست و دست‌کم خود غربی‌ها اعتقاد دارند که جهان دوباره دوقطبی شده و در شرق دنیا هم قدرت‌هایی هستند که دارند به ایالات افول ایالات متحده قطعاً شکست رژیم صهیونیستی را هم در پی خواهد داشت؛ رژیمی که .متحده پهلو می‌زند بقاء و کیان آن وابسته به ایالات متحده است.

اما رژیم صهیونیستی خودش هم دچار مشکلات فراوان شده و در برخی مواضع با ایالات متحده تضاد پیدا کرده و به‌شدت این تضاد باعث شده که ایالات متحده همچون گذشته به رژیم صهیونیستی کمک نکند. ما نشانه‌های این ضعف را در لابی‌های صهیونیست‌ها می‌بینیم که این روزها موفق نیستند در کنگره کمک‌های همه‌جانبه آمریکا .را جذب کنند و مخالفینی برای کمک به رژیم صهیونیستی پیدا شده است.

رژیم صهیونیستی از داخل هم دچار تزلزل شده است. در عرصه سیاسی این رژیم شاهدیم که از آخرین ماه سال ۲۰۱۸ تا الان ثبات سیاسی نبوده و کابینه نیم‌بندی را بعد از دسامبر ۲۰۱۸ تشکیل دادند که در حال فروپاشی است و احتمالاً به زودی باید سراغ انتخابات جدیدی بروند. این مسئله نشان از فروپاشی از درون رژیم

صهیونیستی دارد که کاملاً با افول ایالات متحده در یک راستاست؛ یعنی هم تضاد درونی با آن‌ها پیدا کردند، هم از درون خودشان دچار فروپاشی شدند. بیشترین مشکلات رژیم صهیونیستی هم در عرصه امنیتی و اجتماعی است. آن‌ها از حیث امنیتی به شدت از محور مقاومت شکست خوردند و شکست‌های آن‌ها طی سال‌های گذشته کاملاً نمایان بوده است. در حال حاضر، مقاومت در جولان بالای سر صهیونیست‌ها ایستاده است. همچنین در غزه و کرانه باختری به شدت با کمبود و نبود امنیت مواجه‌اند.

در عرصه اجتماعی هم آن‌ها به شدت ضعیف شده‌اند، چراکه طی ماه‌های گذشته با وجود آنکه بسیاری از یهودیان اوکراینی می‌توانستند به فلسطین اشغالی بیایند و در آنجا ساکن بشوند، اما اعلام کردند که اگر به آنجا بیایند، بعد از جنگ دوباره به اوکراین باز خواهند گشت. این‌ها همه نشانه فروپاشی اجتماعی رژیم صهیونیستی است که به شدت آشکار است.

### سیر طرح‌های سازش طی دهه‌های گذشته تاکنون چگونه بوده است که امروز رهبر انقلاب آن‌ها را **باطل شده توصیف کردند**؟

باطل بودن طرح‌های سازش از اینجا آشکار می‌شود که ما روند حرکتی سازش را مشاهده کنیم. از روزی که **توافق‌نامه اسلو** در سال ۱۹۹۳ (۲۹ سال پیش) بین سازمان آزادی‌بخش فلسطین و رژیم صهیونیستی امضا شد، قرار بود حاکمیتی موقت در فلسطین به وجود بیاید تا بعدها در توافقات نهایی کشور مستقل فلسطین تشکیل بشود؛ اما امروز بعد از ۲۹ سال نه تنها آن کشور مستقل فلسطین به وجود نیامد، بلکه امروز صهیونیست‌ها کاملاً آن را انکار می‌کنند و می‌گویند که فلسطینی‌ها نباید به کشور مستقل فلسطین اصلاً فکر کنند و از آن‌ها هم یک گام باید عقب‌تر بیایند. حکومت خودگردان فلسطین که قرار بود حاکمیت امنیتی، سیاسی و اداری داشته باشد، امروز هیچ حاکمیتی در هیچ‌یک از این دو منطقه ندارد و تنها به ابزاری برای حفظ امنیت رژیم صهیونیستی دستگاه امنیتی و حکومتی خودگردان مهم‌ترین بخشی است که صهیونیست‌ها آن را حفظ. تبدیل شده است می‌کنند، چراکه همکاری امنیتی که بین آن‌ها در سرکوب مقاومتان و مبارزان فلسطینی وجود دارد، برای صهیونیست‌ها بسیار مفید است. این نشان می‌دهد که سازش بعد از ۲۹ سال نه تنها چیزی به دست نیاورده، بلکه عقب‌نشینی هم داشته است. امروز صهیونیست‌ها به هیچ‌وجه حاضر نیستند پای میز مذاکره با فلسطینی‌های سازش‌کار بنشینند و با آن‌ها صحبت کنند. این نشانه شکست در بطلان سازش است.

### چه تحولی در دیدگاه فلسطینی‌های سرزمین‌های ۴۸ و ۶۷ در مورد مبارزه رخ داده است که امروز **این چنین مورد توجه تحلیلگران سیاسی و منطقه قرار گرفته است**؟

تحولی که در بین فلسطینی‌های ۴۸ و ۶۷ رخ داده خیلی بزرگ است. اول اینکه بخشی از آن‌ها به‌ویژه آن‌هایی که در سرزمین‌های ۱۹۶۷ بودند و به تشکیل دولت مستقل فلسطینی در این مناطق راضی شده بودند، امروز به یقین به این نتیجه رسیدند که صهیونیست‌ها با مذاکره و سازش یک وجب خاک را هم به آن‌ها نخواهند داد و به

همین دلیل این تحول در آن‌ها به‌وجود آمده و به این یقین رسیدند که مقاومت تنها راه خروج از این بحران و رسیدن به حقوق حقه ملت فلسطین است.

در سرزمین‌های ۱۹۴۸ هم این دیدگاه خودش را پیدا کرد که مقاومت تنها راه آزادی فلسطین است؛ اما مسئله دیگری هم که بین هر دوی این‌ها به‌طور مشترک به‌وجود آمده و در فلسطینی‌های ۱۹۴۸ بیشتر موج می‌زند، اعلام هم‌بستگی با ملت فلسطین در هر جایی است که حضور دارند؛ یعنی اتحاد موضع و عمل (وحدت کلمه) بین همه فلسطینی‌ها مهم‌ترین تغییری است که در فلسطینی‌های ۴۸ به‌طور مشخص خودش را دارد نشان می‌دهد و فلسطینی‌های ۶۷ هم کم‌کم به این نتیجه رسیدند. پس دو دیدگاه کاملاً مشخص را باید بین آن‌ها با عنوان تحول ذکر کنیم؛ اول، نگاه آن‌ها به وحدت و اتحاد در موضع‌گیری و عمل و دوم، رسیدن به این نتیجه در بین آن‌ها که دیگر سازش هیچ فایده‌ای ندارد و این مقاومت است که می‌تواند فلسطین و فلسطینی‌ها را به حقوق حقه خودش برساند.

### شکل‌گیری مقاومت در غرب آسیا و رشد و گسترش آن چه تأثیری بر مقاومت فلسطین داشته است؟

در وهله اول، شکل‌گیری مقاومت در غرب آسیا موجب شد تا مقاومت فلسطین پشتوانه بسیار قوی‌ای داشته باشد؛ در واقع، اولین نتیجه‌ای که رشد مقاومت در منطقه غرب آسیا برای مقاومت فلسطین داشت این بود که مقاومت فلسطین از پشتوانه قوی‌تری برخوردار شد، چراکه مقاومتی که از مقاومت فلسطین حمایت می‌کرد با تقویت مواضعش در داخل منطقه غرب آسیا حالا بهتر می‌تواند از مقاومت فلسطین حمایت کند.

در وهله دوم، توسعه نفوذ مقاومت در کشورهای منطقه موجب شد مقاومت فلسطین علاوه بر اینکه حمایت حامیان گذشته خودش را دریافت کند، از جانب برخی حاکمیت‌های جدید هم حمایت‌های جدیدی را دریافت کند. خب، ما بیش از این در عراق شاهد این میزان حمایت از ملت فلسطین نبودیم، یا در یمن حمایتی از ملت فلسطین از طریق حاکمیت‌ها صورت نمی‌گرفت؛ اما امروز این دو کشور هم به‌طور مشخص به این جرگه پیوستند و هم از نظر حاکمیتی و هم از نظر ملت از مقاومت فلسطین حمایت می‌کنند. به‌طور کلی، توسعه مقاومت موجب تقویت پشتوانه مقاومت فلسطین و افزایش حمایت‌های حاکمیتی از مقاومت فلسطین شد. در حقیقت، مقاومت در منطقه یکپارچه‌تر و بزرگ‌تر شد و همگی با همدیگر به مجموعه‌ای تبدیل شدند که می‌توانند به‌طور یکسان عمل کنند.

تأثیری که توسعه مقاومت در منطقه غرب آسیا داشت این بود که با ایجاد پیکره‌ای واحد برای مقاومت آن‌ها را به هم متصل کرد و در حال حاضر، مقاومت با پیکره متحدی دارد عمل می‌کند که خودش را به این نقطه‌ای که امروز هست برساند و نوعی بازدارندگی را در فلسطین به‌وجود بیاورد که صهیونیست‌ها به‌شدت از آن هراس

دارند.

**در مورد اتفاقات و حوادث اخیر جنین هم توضیح دهید. چه عاملی باعث جلب توجه دوباره به این منطقه شده است؟**

اتفاقی که در حال حاضر در جنین دارد می‌افتد ناشی از وحشتی است که صهیونیست‌ها از مقاومت حقیقی فلسطین دارند. جنین از گذشته مهد حضور حامیان جنبش جهاد اسلامی فلسطین بود. حامیان جنبش جهاد اسلامی در میان همه مقاومتان فلسطینی در داخل منظومه امنیتی رژیم صهیونیستی خطرناک‌تر توصیف شدند. از حیث اقدام هم به دلیل اینکه مبارزان جنبش جهاد اسلامی اندیشه‌های دکتر فتحی شقاقی را - که به اندیشه‌های امام خمینی رحمه‌الله‌علیه بسیار نزدیک و برگرفته از اندیشه‌های ایشان است - دارند، روحیه مقاومتی جدی و بسیار سرسختانه‌ای دارند که صهیونیست‌ها از آن‌ها بسیار هراس دارند. هر چند بین مقاومتان فلسطینی فرقی وجود ندارد و همه‌شان به دنبال از بین بردن رژیم صهیونیستی هستند، اما عزم راسخ‌تری که در بین جوانان جنبش جهاد اسلامی از جمله جوانانی که در منطقه و اردوگاه جنین هست باعث شده از آن‌ها بیشتر بترسند.

اتفاقی که هم‌اکنون دارد در جنین می‌افتد، تلاش صهیونیست‌ها برای خاموش کردن مقاومتی است که سال‌ها صهیونیست‌ها بارها تلاش کردند تا مقاومت در کرانه باختری شکل نگیرد و طی تلاش کردند آن را از بین ببرند. سال‌های گذشته تمام ساختارها و زیربناهای این فضا را از بین بردند و در حال حاضر هم تلاش می‌کنند اتفاقاتی را رقم بزنند. اتفاقات جنین تلاشی برای از بین بردن این زیربناها و ساختار و بسترهای آماده مبارزه است که به خیال خودشان می‌توانند این‌ها را از بین ببرند. در حقیقت، صهیونیست‌ها دارند تلاش می‌کنند با از بین بردن مقاومت در منطقه جنین به نوعی خودشان را در کرانه باختری از اقدامات مسلحانه دور کنند.

**به‌عنوان سوال آخر، جزئیات طرح عربی دو دولتی را تشریح کنید؛ چرا این طرح به بن‌بست رسید؟**

طرح ابتکار عربی دو دولت برگرفته از طرح بوش پدر است که در سال ۱۹۹۰ آن را مطرح کرد. طرح بوش مبنی بر این بود که مسئله فلسطین تنها با تشکیل دو دولت (دولت یهودی و دولت فلسطینی) قابل حل است. در واقع، دو طرف حاکمیتی را برای خودشان در داخل فلسطین داشته باشند. این ظاهر طرح بود، اما باطن آن بخش‌ها و مصوباتی داشت که یکی از بخش‌های آن حاکی از این بود که رابطه کشورهای عربی در تأسیس کشور فلسطین و اجرای طرح دو دولت باید به‌طور خودکار انجام بشود؛ یعنی همه کشورهای عربی بعد از اجرایی شدن این طرح باید با رژیم صهیونیستی ارتباط برقرار کنند.

طرح ابتکار عربی که عربستان مطرح کرد، همان مبنای طرح بوش پدر بود. در این طرح هم گفته شد تا زمانی که مسئله فلسطین حل نشود، عادی‌سازی روابط کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی مقدور و انجام نخواهد شد. این طرح به دنبال این بود که یک دولت فلسطینی در سرزمین‌های ۶۷ تأسیس شود که کمتر از بیست درصد

خاک فلسطین را داشت، اما این طرح هم توسط کشورهای عربی از جمله عربستان و امارات متحده کنار گذاشته شد و به آن عمل نکردند و اقدام به عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی کردند.